



تأملی بر سیره علمی امام صادق (ع)

## امامی که به «شیخ الاثمه» ملقب شد

دکتر حبیب‌رضا ارزانی

دکترای الهیات تطبیقی و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام باقر(ع) در مناسبت‌های مختلف به امامت و ولایت فرزندش جعفر صادق(ع) تصریح فرموده و شیعیان را پس از خودش به پیروی از ایشان فرا می‌خواند و امام صادق(ع) هم، مؤسس مذهب و مکتب فقهی شیعه دوازده امام جعفری می‌شود. اما سیره علمی و عملی ایشان چه بود که توانست به «شیخ‌الاثمه» ملقب شود؟

دوران امامت امام صادق(ع) با ضعف بنی امیه و قدرت گرفتن بنی عباس مصادف شد. از این رو، شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر ایشان منحصر به فرد شد؛ چرا که این دو سلسله مدت‌ها در حال مبارزه با یکدیگر بودند و این کشمکش‌ها سبب شد که توجه حاکمان کمتر به امامان و فعالیت‌شان باشد و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت علمی و فرهنگی آنان فراهم شود. دوران ۳۴ ساله امامت امام صادق(ع) بیشتر از سایر امامان(ع) بود البته سن ایشان نیز با حدود ۶۵ سال، نسبت به بقیه ائمه بیشتر بود و بدین سبب به ایشان لقب «شیخ‌الاثمه» داده شد.

امام صادق(ع) برای گسترش علوم، فرهنگ و مدنیت چندین مرحله را کنار هم پیش برد؛ سرفصل‌هایی مانند اخلاقیات یا توسعه ارزش‌ها، تربیت شاگردان و گفت‌وگو با سران و نظریه‌پردازان ادیان و مذاهب مختلف. عصر آن حضرت، زمان جنبش فرهنگی و فکری و برخورد فرق و مذاهب گوناگون در جهان اسلام بود؛ لذا زمینه فعالیت به گونه‌ای برای ایشان فراهم بود که بیشترین احادیث شیعه در تمام زمینه‌ها از آن حضرت نقل شده است و مذهب تشیع به‌نام «مذهب جعفری» خوانده می‌شود. فقه شیعه نیز عمدتاً بر روایات به‌جای مانده از ایشان مبتنی است، به‌همین جهت مکتب فقهی شیعیان دوازده امامی را «مذهب جعفری» نیز می‌نامند.



امام صادق(ع) برای گسترش علوم، فرهنگ و مدنیت چندین مرحله را کنار هم پیش برد؛ سرفصل‌هایی مانند اخلاقیات یا توسعه ارزش‌ها، تربیت شاگردان و گفت‌وگو با سران و نظریه‌پردازان ادیان و مذاهب مختلف. فقه شیعه نیز عمدتاً بر روایات به‌جای مانده از ایشان مبتنی است، به‌همین جهت مکتب فقهی شیعیان دوازده امامی را «مذهب جعفری» نیز می‌نامند.

آن حضرت حدود ۴ هزار شاگرد را در علوم و دانش‌های گوناگون فقهی، علمی، کلامی، توحیدی، ولایتی، حدیث نفس، معرفت‌شناسی و... آموزش دادند؛ چهره‌های علمی بزرگی مانند جابر بن حیان در مکتب آن حضرت علم و دانش آموختند. شاگردان امام فقط از میان شیعیان نبودند، بلکه اهل سنت، یهودیان و مسیحیان هم از مکتب ایشان بهره بردند. امام صادق(ع) مدینه را به‌تنهایی تبدیل به دانشگاه کرد و طولی نکشید که مسجد نبوی در مدینه منوره و مسجد کوفه در شهر کوفه به‌دست ایشان و با بهره‌مندی از علم آن حضرت، به دانشگاهی عظیم بدل شد و در برابر مکاتب اموی و عباسی به تبیین اسلام راستین پرداخت.

تفسیر قرآن امام صادق(ع)، نجات‌دهنده علم تفسیر از انحراف است؛ در تفسیر عرفانی قرآن توسط آن حضرت که شامل حدود ۳۵۰ روایت در تفسیر ۳۱۰ آیه از قرآن کریم است، بیان امام بیانی است که اگر جبرئیل در تفسیر یک آیه بیان می‌کرد، چیزی نه از آن کمتر بود و نه از آن بیشتر؛ یعنی کلام اهل بیت(ع) کلامی الهی و عاری از نقص و کاستی است. کتاب «حقایق التفسیر» که تفسیر عرفانی امام صادق(ع) نیز بدان ضمیمه است پس از آنکه به قلم ابوعبد الرحمن سلمی ترتیب و نگارش یافت، همچنان تا نیمه دوم قرن بیستم میلادی، به‌صورت نسخه‌های دست‌نویس باقی ماند. تفسیر امام(ع) نخستین‌بار، پس از معرفی لویی ماسینیون، به کوشش و تصحیح پل نوبا در ۱۹۶۸ در بیروت منتشر شد.

آیت‌الله حاج شیخ حسین عرب

استاد حوزه و دانشگاه

انسان همراه خلقت اصلی خود دارای یک نهاد آموزنده به نام «فطرت» است که ویژه اوست و دیگر مخلوقات از آن بی‌بهره‌اند. خداوند بر هر انسانی منت نهاده و این نهاد آموزشی درونی را به او عطا کرده است.

اگر انسان دچار بیماری سفسطه و لجاجت با واقعیت هستی و انکار حقیقت نشده باشد و اندکی اهل «توجه» و «تعقل» باشد با مراجعه به نهاد آموزشی و آموزنده فطرت می‌تواند بسیار الهام بگیرد و درس‌های فراوان بیاموزد. از جمله آموزه‌های فطری این است که:

- هر انسانی خواهان درک واقعیت است.
- هر انسانی می‌خواهد که به کمال شایسته و بایسته خود در این واقعیت عینی برسد.
- جامعیت و فراگیر بودن کمال و سعادت موجب می‌شود که انسان به این درک برسد که رشد تک بعدی، خود، نوعی نرسیدن به کمال شایسته اوست.
- اگر انسان یک موجود پویا و جویای کمال است بین مبدأ و مقصد، راهی در این بین برای او وجود دارد.
- حتماً انسان‌هایی بوده و هستند که بدون ابهام و هرگونه مشکل و خلی از اول تا آخرین مسیر را طی کرده‌اند و بدون شک آنان در این مبدأ و مقصد و راه، راهنمای دیگران هستند.

پس آنچه آنان از خود برای دیگران ارائه نموده‌اند در برابر واقعیت عینی و نیز سخنان و اخلاق و اعمال هریک، بخشی از روشن‌سازی این مسیر برای دیگر انسان‌ها است.

میلاد آخرین پیامبر خدا حضرت محمد(ص) و نیز ولادت امام صادق(ع) فرصتی است که زندگی آنان را با نگاه جامع و آموزنده‌ای که فطرت ما به ما دستور می‌دهد نصب العین قرار دهیم در این فرصت اندک فقط می‌توانیم به نکاتی چند آن هم فشرده و موجز بپردازیم.

### ■ تأکید رسول اکرم(ص) بر واقع‌گرایی و نفی خودپرستی

جالب است در میان دعاهایی که از حضرت محمد(ص) نقل شده، این دعا نیز معروف است که به خدا عرض می‌کند: اللهم ارنی الاشیاء كما هی علیها؛ «خداوندا موجودات را همانگونه که هستند به من نشان ده». قرآن داستان پر رمز و راز معراج پیامبر(ص) را «فلسفه آگاه نمودن آن حضرت بر حقایق و اسرار جهان» معرفی می‌کند.

در اولین آیه از سوره مبارکه اسراء هم چنین می‌خوانیم:

سُبْحَانَ الَّذِیْ أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِّنَ الْمَشْجَدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَشْجَدِ الْأَقْصٰی الَّذِیْ بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیْهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ

هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ؛ «منزه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمد(ص)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست». در سوره مبارکه النجم نیز که بار دیگر با بیان مفصل تر داستان معراج آمده است، محور و فلسفه معراج رسول اکرم(ص) آگاه نمودن و رؤیت باطنی حضرت محمد(ص) از ملک و ملکوت موجودات عنوان شده است.

آدمیان با نعمت «عقل» و «اندیشه» که نعمت خاص خداوند به آنان است و با تلاش‌های فکری و نیز کمک راهنمایان که عقل و خرد بیرونی اند، می‌توانند با عینیت اشیا رابطه برقرار کنند و چون انسان همانطوری که موجودی است پرسشگر، موجودی پرستنده نیز هست، اما تنها موجودی که شایسته پرستش است آن وجود مطلقى است که از هرگونه عیب و نقص و حالت منتظره ای میرا باشد و آن موجود فقط «خداوند» است. از این رو، دستور و منشأ هدایت همه پیامبران الهی «یکتاپرستی» است. در شبه جزیع عربستان متأسفانه بر اثر دوری از واقعیت، روح تعقل تنزل و واقع گرایی افول کرد و مردم گرفتار بت‌پرستی شدند.

این مقطع تاریخی نشان دهنده حضيض و سقوط مطلق «دستگاه خردورز انسان» نیز هست. البته در امت‌های پیشین نیز بت پرستی بطور عریان و آشکار آن به دلایل مختلف وجود داشته است. گرچه تعصب بت پرستان و تأکید آنان بر اینکه راه و روش پدران و اجدادشان بوده است و از بزرگترین حجاب‌ها همین حجاب تعصب و تأکید بر روش غیرمعقول گذشتگان است، اما خطرناک تر از بت پرستی «خودپرستی» است که در یک کلمه باید گفت منشأ همه حوادث سهمگین و هولناک تاریخ بشریت خودپرستی و خودمحوری است. خودپرستی و خودمحوری، این دشمن درونی انسان‌ها، آنان را از همه ارزش‌های والای انسانی و از همه مراتب معرفت ساقط می‌کند و از این رو، خطری برای جان و مال و کیان دیگر انسان‌ها هم بشمار می‌رود.

قرآن در آیه ۲۳ سوره مبارکه جاثیه خطاب به پیامبر اسلام(ص) چنین فرموده است: «ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته و پس از اتمام حجت گمراه ساخته و مهر(قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده کشیده؟ پس او را بعد از خدا، دیگر که هدایت خواهد کرد؟ آیا منذرک این معنی نمی‌شود؟»

پیامبر خدا(ص) فرمودند: اعداء عدوک نفسک التی بین جنبیک؛ «سرسخت‌ترین دشمن، نفس درونی توست». مولوی که در تفسیر آیات و

روایات نبوی(ص) چیره دست و بی‌نظیر است در این رابطه چنین گفته است: مادر بت‌ها بت نفس شماست زانک آن بت مار و این بت اژدهاست به این اعتبار، باید گفت یکی از قدرت‌های مهم انبیا و ائمه(ع) در پرتو تعالیم وحیانی و اخلاقی قدرت تحول‌بخشی مثبت از بت‌پرستی و بت‌تر از آن خودپرستی به «خداپرستی» است با راهکار «تزکیه نفس» که قرآن فرستادن

حالات ۳- پیش آمدن آسیب‌های امان‌ناپذیر. انسان خردمند و واقع‌گرا باید این دستور مهم زندگی را از آن امام بزرگوار سرلوحه زندگی محدود دنیوی خود قرار دهد و آن را مرزعه آخرت سازد. همه‌ما، بویژه اصحاب قدرت و ثروت، اگر طبق این سیره عمل کنیم بی‌شک در مسیر کمال خود قرار می‌گیریم.

این خیالبافی است که تصور کنیم ما



در تعالیم دینی ما به قدری برقراری صلح و صفا و صمیمیت مهم است که مشاهده می‌کنیم امیرالمؤمنین علی(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کنند که «اصلاح و برقراری صلح بین مسلمانان از همه نمازها و روزه‌ها برتر است». در تعالیم دینی بویژه برای حل مشکلات یکدیگر تعابیر و سفارش‌ها و نویدهای شگفتی وارد شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «برآوردن حوایج و نیازمندی‌های مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهز در راه خدا بالاتر و والاتر است.»

پیامبر(ص) برای انسان‌های مؤمن را منت خدا می‌داند تا آنان را تزکیه و کتاب و حکمت تعلیم دهد.

### ■ ضرورت عقل عملی و عبرت‌گیری

جهان طبیعت که محل زندگی انسان‌هاست شاخصه اصلی آن تحول و عدم ثبات است و بر انسان لازم است که از گوشه گوشه و لحظه لحظه این تحولات در جهت کمال خویش بهره گیرد و نیز از تحولات گذشته که نام آن «تاریخ» است؛ بیاموزد و پند گیرد. امام صادق(ع) که خود مؤسس «مکتب جعفری» است در این ارتباط چنین فرموده‌اند:

ثلاثة لا ینغی للعاقل ان ینساهن علی کل حال. فناء الدنیا و تصرف الاحوال والافات التی لا امان لها؛ «سه چیز است که سزاوار است انسان عاقل و خردمند آنها را در هیچ حالی فراموش نکند: ۱- فناپذیر بودن دنیا ۲- دگرگونی

طول تاریخ آدمیان گاهی دچار معرکه‌های ویرانگر شدید و بروز جنگ‌های خانمان‌سوز شده‌اند.

از جمله تحولات شگرف و مهمی که در تاریخ اسلام به دست پیامبر عظیم‌الشان حضرت محمد(ص) اتفاق افتاد این بود که در شبه جزیره عربستان که غارت و عداوت و دشمنی به یک امر عادی بدل شده بود و سلب و فقدان امنیت سال‌ها مردم آن سامان را رنج می‌داد به محیط تعامل و برادری تبدیل شد و قرآن این تحول را نعمت خدای متعال تلقی نموده است.

در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه آل عمران می‌خوانیم: «و همگی به رشته (دین خدا) چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید و در پرتگاه آتش بودید تا خدا شما را نجات داد بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند که هدایت شوید.»

در شان نزول آیه بالا گفته‌اند مربوط به دو طایفه اوس و خزرج است که صد سال در میان آنان نزاع و کشمکش بوده و نسل‌ها در میان آنان جدال و نزاع برقرار بود تا اینکه خداوند، پیامبر اسلام(ص) را به ظهور رسانید و آنان به دین اسلام گرویدند و از برکت آن، کینه و دشمنی از میان آنان رخت پرست و باهم برادر شدند.

این مطلب خود می‌تواند معیار درستی برای کسانی باشد که در پی یافتن تعالیم واقعی دینی از متصدیان آن هستند. اصل نخست، از بین بردن و به صفر یا حداقل رساندن دشمنی‌ها و کینه‌ورزی است نه عکس آن و اگر تبلیغ از دین نتیجه معکوس دهد معلوم می‌شود آنکه به نام دین تبلیغی و ترویجی و گفتاری یا عملی می‌کند که نتیجه آن تفرق مردم و شعله‌ور نمودن آتش قهر و دشمنی انسان‌ها با یکدیگرند، او به گوهر و حقیقت دین دست نیافته است و توهمات خود را دین پنداشته است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در آخرین ساعات زندگی خود در بستر شهادت در وصیت نامه معروف خود خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام چنین فرموده‌اند:

أوصیکمّا و جمیع وَلَدِی وَ أَهْلِی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتَابِی بِتَوْحِیِّ اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِکُمْ وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ بَیْنِکُمْ فَإِنِّی سَمِعْتُ جَدَّکُمَا (صلی الله علیه و آله) یَقُولُ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَیْنِیْنِ أَفْضَلُ مِنْ غَاثَةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّیَّامِ؛ «شما را و همه فرزندان و خانواده‌ام را و آن را که نامه من به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوای الهی و منظم کردن کارتان و اصلاح نمودن واقعی بین خودتان که من از جد شما دو نفر صلی‌الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود اصلاح ذات‌البین از همه نماز و روزه برتر است.»

به قدری برقراری صلح و صفا و صمیمیت مهم است که مشاهده می‌کنیم امیرالمؤمنین علی(ع) در آن آتات پایان عمر شریفشان از قول پیامبر اکرم(ص) نقل می‌کنند که اصلاح و برقراری صلح بین مسلمانان از همه نمازها و روزه‌ها برتر است.

البته در تعالیم دینی ما دستورات برای روابط انسانی با دیگر انسان‌ها و ملل آمده است. قرآن کریم به عنوان یک دستور همیشگی خطاب به همه مسلمانان و مؤمنان می‌فرماید: اِنَّهَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاصْلَحُوا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُوْنَ؛ «جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرنند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.»

در تعالیم دینی بویژه برای حل مشکلات یکدیگر تعابیر و سفارش‌ها و نویدهای شگفتی وارد شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: برآوردن حوایج و نیازمندی‌های مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهز در راه خدا بالاتر و والاتر است.

### ■ آیین اخوت

انسان به مقتضای فطرت خود اهل تعامل و ارتباط آفریده شده است؛ اما در